

## بزه دیدگی زنان در جرائم منافی عفت

روح اله محمدی<sup>۱</sup>، سعید طیبی<sup>۲</sup>، فانوس کاویانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران  
<sup>۳</sup> مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ممسنی

نویسنده مسئول:

روح اله محمدی



### چکیده

از نظر بزه دیده شناسی نخستین (علمی)، بعضی از افراد یا آماج‌ها جذابیت و کشش ویژه‌ای برای بزه‌کاران ایجاد می‌کنند که در جرم‌شناسی از آن‌ها به‌عنوان بزه دیدگان بالقوه یاد می‌شود. بدین‌سان، بزه دیده همواره یکی از عناصر مناسب وضعیت‌های پیش جنایی است. رفتار و گفتار تحریک‌کننده و اغواء کننده و بی‌احتیاطی‌های زنان ممکن است زمینه مناسبی را برای ارتکاب جرائم جنسی علیه آنان فراهم آورده‌اند. امروزه جرم و ترس از جرم به‌عنوان یک نگرانی فراگیر در تمام جوامع تبدیل شده است. سیاست‌های دستگاه عدالت کیفری در مبارزه با جرم نیز با شکست روبرو شده است. این مسئله خود موجب اهمیت سیاست‌های غیر کیفری در امر پیشگیری از جرم شده است. از سوی دیگر در اکثر سیاست‌های غیر کیفری نیز، مرتکب موضوع همه تحقیقات و سیاست‌های پیشنهادی برای پیشگیری از وقوع جرم بوده، تا مشخص گردد یک شخصیت مجرمانه چگونه تشکیل می‌گردد و به چه طریقی می‌توان آن را مهار یا درمان کرد. با به وجود آمدن دانش بزه دیده شناسی و نظریات جدید و علمی، تحولی عظیم در عرصه مطالعات جرم‌شناسی به وجود آمد. برمبنای این نظریه‌ها معمولاً برای ارتکاب جرم یک سلسله شرایط و امکانات را خود بزه دیده در اختیار بزه‌کار قرار می‌دهد که این روند فرصت‌های ارتکاب جرم را فراهم می‌کند.

**کلمات کلیدی:** بزه دیده، منافی عفت، بزه، پیشگیری.

**۱. مقدمه**

تاریخ حقوق کیفری با نقش بزه دیده در وقوع عمل مجرمانه و نیز نقش او در دعاوی کیفری آشنا است بزه دیده از همان بدو تولد حقوق کیفری نقش عمده‌ای در دعاوی کیفری ایفا می‌کرده و در واقع به‌تنهایی بازیگر نیمی از این صحنه بوده است، بسیاری از جرم‌شناسان از جمله عزت فتاح، فون هنتینگ را بنیان‌گذار بزه دیده شناسی نوین می‌دانند و کتاب وی را منشور بزه دیده شناسی به حساب می‌آورند بنابراین بزه دیده شناسی علمی، تقریباً هفتادسال پس از پیدایش جرم‌شناسی علمی (با انتشار کتاب انسان بزه‌کار لمبروزو در سال ۱۸۷۶) در نیمه قرن بیستم به وجود آمد.

امروزه تحولات نوین در حوزه مطالعات جرم‌شناسی سبب شده است که توجه محققین علوم اجتماعی و جرم‌شناسی به آن‌سوی عمل مجرمانه، یعنی قربانیان جرائم معطوف شود. بر اساس رویکردهای قربانی محور، شرایط حاکم بر تکوین جرم و وقوع بزه دیدگی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد تا بتوان جهت پیشگیری از جرم و کاهش تبعات آن گام برداشت. را تشخیص دهند که جرم عواقب دردناک‌تر از آنچه قابل‌تصور است، به دنبال دارد. قربانیان جرائم که تا به حال در فرآیند عدالت کیفری به فراموشی سپرده شده بودند، امروزه نقش کلیدی را در این فرآیند بازی می‌کنند. بدین جهت اکنون در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسئله عمده مجرم نیست، بلکه بزه دیده است؛ یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی، ممکن است او را در برابر جرم آسیب اهمیت قربانی شناسی در مباحث جرم‌شناسی در مواردی نظیر آشکار شدن جرم و به دست آوردن نرخ جرم در سطح جامعه نمود می‌یابد؛ امروزه توجه به قربانیان و نیازهای آن‌ها در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی نه تنها به لحاظ سیاسی اهمیت پیدا کرده، بلکه مورد توجه جرم‌شناسی قرار گرفته است.

تکامل سریع جرم‌شناسی و قلمرو گسترده آن، افق تازه‌ای در تحقیقات جرم‌شناسی گشود به طوری که در دهه ۱۹۴۰، توجه دانشمندان به رابطه میان بزه دیده و بزه‌کار جلب می‌شود، هر چند پایه‌گذاران رشته جرم‌شناسی از حیاتی بودن آن آگاه بودند. هانس فون هنتینگ، بنیامین مندلسون و هانری هنبرگر جملگی بر اهمیت بررسی روابط میان مجرم و بزه دیده به‌منظور درک بهتر خاستگاه و آثار جرم تأکید کردند. از زمان انتشار نتایج این مطالعات پیشگام، دانشمندان زیادی بررسی‌های خود را بر این جنبه از مسئله جرم متمرکز کردند، به گونه‌ای که جرم‌شناسی بزه دیده شناسی که اساس آن بر مطالعه بزه دیدگان استوار است، جدیدترین شاخه از جرم‌شناسی نظری است که موضوع آن بررسی ویژگی‌ها و عملکرد بزه دیده، و روابط وی با مباشر عمل مجرمانه و نقش او در ارتکاب جرم می‌باشد. به عبارتی دیگر بزه دیده، به‌عنوان یکی از کنشگران اصلی یا فراموش شده جرم بتدریج وارد پژوهش‌ها و مطالعات جرم‌شناسان و حقوقدانان کیفری شد و شایسته همان توجهاتی تلقی گردید که از دیر باز در علوم جنایی، در ابعاد حقوقی و تجربی آن، برای بزه‌کار در نظر گرفته می‌شد و این رهیافت که بزه دیده می‌تواند در قبل، در طول و بعد از ارتکاب جرم نقش داشته باشد، به نوعی طرز تلقی سنتی برای مبارزه جامعه علیه جرم با تأکید بر مجازات برای مجرم را اصلاح نمود.

**۱-۱. مفاهیم**

آن‌گونه که واضح است امنیت اقتصادی و اجتماعی از مباحث عمده در زندگی امروزی می‌باشد. البته امروزه دیگر امنیت اجتماعی شده صرفاً یک بحث روشنفکری و منحصر به مراکز دانشگاهی نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که بایستی امنیت از درون جامعه بجوشد. بر این اساس امنیت داخلی وضعیتی است که در آن اولاً هویت اجتماعی از ناحیه آسیب‌های مختلف داخلی و خارجی مصون باشد. دوم اینکه روابط اجتماعی بر مقوله رضایت و نه قدرت استوار باشد. امروزه بحث پیشگیری از بزه دیدگی جهت کاهش نرخ جرائم مورد توجه جرم‌شناسان و عالمان حقوق جزا قرار گرفته است.

*بزه دیده شناسی زنان نیز نگاهی ویژه به طبقه‌ای از بزه دیدگان دارد که ساختار خاص جسمانی و روانی و نیز عوامل تاریخی و اجتماعی، آنان را از سایر بزه دیدگان متمایز می‌سازد. بررسی میزان و نوع جرائم ارتکابی توسط زنان و نیز علیه زنان نشان می‌دهد که این گروه کمتر از مردان مرتکب جرم می‌شوند و کمتر بزه دیده واقع می‌شوند اما قربانی جرائم خاصی هستند و بزه دیدگی آنان نیز دارای ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۹۰).*

برای پی بردن به نقش زنان بزه دیده در وقوع و پیشگیری از جرائم منافی عفت، در ابتدا باید گذری داشت بر مفهوم بزه دیده، جرم و پیشگیری ولی چون در کتاب‌های مختلف با موضوعات حقوق جزای عمومی و بعضاً حقوق جزای اسلامی به این موضوع تا حدودی پرداخته شده و نیز به دلیل آشنایی کلیه حقوق‌دانان با این مفاهیم، در این مبحث از تحقیق به بررسی مختصر این مفهوم آن پرداخته و از اطاله کلام اجتناب می‌شود.

## ۱-۱-۱. بزه

بزه یا جرم یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه است که مورد مطالعه و بررسی در جرم‌شناسی می‌باشد. به‌طور کلی مفهوم مجرم بستگی به مفهوم جرم دارد چون مجرم بودن مستلزم ارتکاب یک جرم است، منظور از ارتکاب جرم ارتکاب اعمالی است که در قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده نه هر عمل زیان‌آور (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص: ۱۹۳).

## ۱-۱-۱-۱. در علم لغت

بزه یا جرم از نظر لغوی به معنای خطا و جور می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص: ۱۷۰). همچنین به معنای گناه و خطا است (همان، ص: ۱۷۱).

## ۱-۱-۲. در اصطلاح

بزه یا جرم عبارت است از ارتکاب یا ترک ارتکاب عملی که خلاف قانون باشد (مضمون ماده ۲ قانون مجازات اسلامی). همچنین بزه در اصطلاح بر فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد جرم اطلاق می‌شود (صانعی، ۱۳۷۶، ص: ۱۷۳). از اولین پدیده‌هایی که با شکل‌گیری اجتماع انسانی به وجود آمد، بزه یا جرم بوده است؛ زیرا گردهمایی انسان‌ها همواره نیازمند رعایت هنجارهایی است که عدم رعایت آن‌ها موجب سرپیچی و ناهنجاری از مقررات اجتماعی بوده است. چراکه، دستورات و مقررات اجتماعی تا حدودی افراد جامعه را مقید می‌کرد و آزادی مطلق ایشان را مقید می‌ساخت. در حقیقت، اولین واکنش جامعه به هنجارشکنی‌ها و قانون‌شکنی‌های اجتماعی، وضع مجازات بود (مظلومان، ۱۳۵۶، ص: ۱۱۱). بدیهی است که هراندازه جامعه‌ای توسعه یابد، برخوردهای بیشتری به وجود خواهد آمد و ارزش‌های اخلاقی جدیدتری در جامعه نفوذ خواهد کرد؛ بنابراین مقررات جدیدتری نیز وضع خواهد شد.

## ۱-۱-۲. بزه دیده

بزه‌دیده<sup>۱</sup> شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان یا رنج و آزار می‌بیند. واژه بزه دیده در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی‌علیه و یا شاکی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و در متون فقهی نیز به زیان‌دیده از جرم، به‌طور کلی، مجنی‌علیه اطلاق می‌شود ولی در هر جرم زیان‌دیده اصطلاح خاص خود را دارد مثل مسروق منه در سرقت و مجروح و مقتول در جرائم علیه اشخاص.

بررسی حقوق کیفری حکایت از آن دارد که پژوهش‌های جرم‌شناسان و مسائل حقوق جزا بیشتر بر عناصری همچون جرم، مجرم و مجازات متمرکز بوده است و در نتیجه، قربانی جرم که در دوره انتقام خصوصی، نقش محوری را در فرایند تعقیب و مجازات مجرم بر عهده داشت و دفاعیات اصلی را در محاکمات ایفا می‌نمود، با گسترش دوره دادستان عمومی از نظر دورمانده و اهمیت خود را در مراحل مختلف عدالت کیفری از دست داده و حمایت از حکمرانان و دولت‌ها جایگزین آن گردیده است. به تعبیر یکی از اندیشمندان عرب، این مسئله که بسیاری از قوانین جزایی با سرفصلی تحت عنوان «جرائم علیه دولت» آغاز می‌شود یک امر اتفاقی نیست بلکه نشان از افول و تضعیف پایگاه حقوقی بزه دیدگان و توجه بیشتر به منافع دولت‌ها و حمایت از آن‌ها دارد (عبدالفتاح، ۱۳۷۳، ص: ۹۳).

مؤلف ترمینولوژی (محمد جعفر جعفری لنگرودی) حقوق، بزه دیده را کسی می‌داند که جرمی به ضرر او واقع شده است. برخلاف تعریف نویسنده ترمینولوژی حقوق که بزه دیده را منحصر به انسان (کسی که) نموده است. در لابه‌لای قوانین مدون مواردی را می‌توان دید که قانون‌گذار به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برانگیختگی را در مسئولیت کیفری دخیل دانسته است. در برخی موارد وجود برانگیختگی موجب رفع مسئولیت کیفری مرتکب جرم و در موارد دیگر موجب تخفیف در مجازات شده است. بزه دیده یکی از کنشگران فعل مجرمانه است که امروزه مورد توجه نظام‌های کیفری جوامع مختلف قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه‌ی دیگر عوامل وقوع جرم شناسایی رفتارهای بزه دیده در حقوق کیفری ایران دفاع مشروع و تحریک می‌باشد که در این موارد بزه دیده با رفتارها و تحریکات خود باعث وقوع جرم می‌شود که قانون‌گذار با شناسایی این رفتارها در قانون مجازات اسلامی آن را عاملی در جهت کاهش یا حذف مسئولیت فاعل جرم دانسته است.

## ۱-۲-۱-۱. در علم لغت

بزه دیده در زبان فارسی معادل عربی این واژه-قربانی و زیان‌دیده-استعمال می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ص: ۲۰۳۵ و جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص: ۳۲۳۲). این واژه در انگلیسی به معنای Victim (قربانی) به‌کاررفته است و در ادبیات بحث جرم‌شناسی و کتاب‌های حقوقی تعریف‌های متفاوتی دارد، در مجموع می‌توان آن‌ها را به تعریف موسع و مضیق دسته‌بندی کرد. در رویکرد اول، بیش‌تر به ورود ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشاء ایراد ضرر و علل و عوامل جرم. مطابق این دیدگاه بزه دیده

<sup>۱</sup>. Victim of crime

کسی است که یک خسارت و آسیب قطعی بر تمامیت شخص او وارد شده است به گونه‌ای که اکثر افراد جامعه به آن اذعان دارند (فیلزولا، ۱۳۷۹، ص: ۹۶).

### ۱-۲-۲. در اصطلاح

بزه دیده یا مجنی علیه، کسی که در اثر ارتکاب بزه زیان می‌بیند. جرم‌شناسان به تدریج دریافتند، برای ارائه یک مطالعه کامل و همه‌جانبه از جرم، باید هم‌زمان به بررسی مجرم و نیز بزه دیده او و نیز وضعیت قبل از ارتکاب جرم، بپردازند، لذا مطالعات جرم‌شناسی به سمت بزه دیده و شخصیت او روی آورد. اولین بار جرم‌شناسی مشهور آلمانی - آمریکایی، فون هانتیک، کتابی تحت عنوان «بزه‌کار و قربانی او» در سال ۱۹۴۸ به رشته تحریر درآورد و در بخش چهارم آن، به بررسی روابط میان بزه‌کار و بزه دیده و جوانب مختلف آن پرداخت. وی معتقد بود که برای شناخت عمیق و همه‌جانبه از جرم و حفاظت مؤثر از جامعه در برابر آن، باید کلیه عوامل مؤثر در ایجاد پدیده مجرمانه مورد بررسی قرار گیرند. چراکه جرم و عوامل ایجاد آن همانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل‌اند، زنجیری که جرم آخرین حلقه آن را تشکیل می‌دهد و نباید جدا از سایر حلقه‌ها، در نظر گرفته شود (نجفی توانا، ۱۳۷۷، ص: ۲۴؛ و نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص: ۹).

بزه دیده نیز یکی از این حلقه‌هاست، لذا وقتی رفتار مجرمانه را، فرآیند یک سلسله عوامل فردی و اجتماعی معرفی می‌کنیم، باید نقش بزه دیده را، نیز، به‌عنوان عامل خارجی (اجتماعی) در ایجاد وضعیت مجرمانه، مورد بررسی قرار دهیم. اینکه آیا شغل، رفتار مقطعی یا گفتار تحریک‌آمیز او در ایجاد این وضعیت نقشی داشته است یا خیر؟ به دیگر سخن، بررسی عناصری که مکانیسم گذار از اندیشه به عمل را به وجود آورده‌اند، اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای در تکمیل مطالعات جرم‌شناسی علت شناختی دارند (همان).

### ۱-۳-۱. منافی عفت

یکی از بزرگترین نیروهای درونی جوانان، غریزه جنسی است که اگر از راه‌های اصلی و اساسی کنترل نشود، طغیان می‌کند و پیامدهای بسیار بدی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. شاید به همین دلیل بوده است که از منظر دین اسلام و بزرگان دین همواره برای جلوگیری از اشاعه فحشاء و حفظ حرمت آبرو و حیثیت مردم در خصوص مسائل جنسی موضوع چشم‌پوشی، اختفاء و پرده پوشی سرلوحه کار بوده است. قضاوت امیرالمؤمنین در مورد زنی که اصرار به اقرار به زنا داشتند، مؤید این برداشت می‌باشد امروزه بعضاً برخورد ضابطان دادگستری برای شناسایی و تعقیب مرتکبان و محاکم قضایی در انجام تحقیقات مقدماتی و تفهیم اتهام و صدور رأی و مجازات آنها، خلاف راه و روش پسندیده‌ای است که بدان سفارش شده است. بدیهی است در برخورد با مسائل جنسی نباید راه افراط و یا تفریط را در پیش گرفت که هم صحیح و منطقی نیست و هم شرعی و عقلایی نمی‌باشد. جرائم منافی عفت، دارای عوامل و علل فراوانی است که شناخت هر یک از آنها ضمن اینکه همکاری همه جانبه جامعه شناسان و جرم‌شناسان و روانشناسان و حقوقدانان را می‌طلبد کمک شایانی در جهت حفاظت جامعه از مفاسدی که دامنگیر آن می‌شود، می‌نماید. یکی از علل اساسی، ارضای غریزه جنسی است و مسائلی همچون مشاهده فیلم‌های شهوت‌انگیز، مطالعه کتب و مجلات خلاف اخلاق و شرکت در مهمانی‌های مختلط می‌تواند جوان را تا سر حد ارتکاب جرائم جنسی تحریک و ترغیب نماید.

### ۱-۳-۱.۱. منافی در لغت

منافی از نظر لغت، به معنای جدا بودن، خلاف یکدیگر بودن، نقیض هم بودن جدایی و خلاف ترجمه شده است. (معین، ۱۳۸۱، ص: ۱۸۲۲). عفت " در لغت حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود و اصلش بسنده کردن در گرفتن چیز اندک است و طلب عفت و پاکدامنی و بازایستادن از حرام، استعفاف نام دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص: ۶۱۸).

### ۱-۳-۲. منافی در اصطلاح

در ترمینولوژی حقوق چنین تعریف شده است: عفت معروف است و عفت عمومی درجه ای است از عفت که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است و در فرهنگ فارسی عمید به معنای بز ایستادن از حرام، پارسایی کردن، پرهیزگاری، پارسایی، پاکدامنی و ترک شهوت آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ص: ۸۶۸). از مجموع معانی مذکور برای عفت می‌توان نتیجه گرفت که عفت، نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می‌دارد. به هر حال از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی استفاده می‌شود که عفت، از بزرگ‌ترین فضایل انسانی است و هیچ کس در سیر الی الله بدون داشتن عفت به جایی نمی‌رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو و حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت است؛ بنابراین منافیات عفت، به اعمالی اطلاق می‌گردد که با پارسایی، پرهیزگاری، پاکی، پاکدامنی و ترک شهوت مغایرت و منافات داشته باشد.

**۳-۱-۳. منافی عفت در اصطلاح**

ماهیت و تعریف جرم «روابط نامشروع» با جرم «عمل منافی عفت غیر از زنا» فرق دارد و می‌توان آن دو را این گونه تعریف کرد که روابط نامشروع عبارت است از هر گونه ارتباط میان مرد و زن نامحرم با قصد لذت بردن و عمل منافی عفت غیر از زنا عبارت است از هر گونه تماس جسمی و فیزیکی میان مرد و زن نامحرم به قصد لذت بردن بدون اینکه مواقعه‌ای صورت بگیرد. قانونگذار مقدار مجازات تعزیر را برای آن دو مشخص نکرده است و با توجه به تفاوت ماهیت دو موضوع میزان شلاق باید متفاوت باشد. در اصطلاح حقوقی مقصود از عمل منافی عفت «هر گونه رابطه جنسی و غیر متعارفی است که وجود آن جز با زن و شوهر شرعی و قانونی مجاز نمی‌باشد» (شامبیاتی، ۱۳۷۷، ص: ۵۴۴).

**۲. نقش بزه دیدگی زنان در جرائم منافی عفت**

بسیاری از کشورها با توجه به مشکلاتی که بزه دیدگان از جهت آثار بزه‌دیدگی یا دسترسی‌شان به عدالت با آن روبه‌رو هستند، به حمایت ویژه از گونه‌های خاصی از بزه دیدگان، مانند زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان، بزه دیدگان جرم‌های جنسی، بزه دیدگان خشونت خانگی، بازماندگان قتل و مانند آن پرداخته‌اند. این حمایت ویژه ممکن است شکل‌های گوناگونی، مانند حمایت مالی، حقوقی، عاطفی و پزشکی داشته باشد. گونه‌شناسی مهمترین گروه‌های خاص بزه دیدگان به شرح زیر است.

**۲-۱-۱. بزه‌دیدگی زنان بر پایه جنسیت**

بر پایه یافته‌های جرم‌شناسانه، زنان نه تنها کمتر از مردان جرم مرتکب می‌شوند، بلکه میزان بزه‌دیدگی‌شان نیز به‌طور کلی کمتر است (خاکپور، ۱۳۵۴، صص ۶۷۶-۶۸۲). با وجود این، بزه‌دیدگی زنان در پاره‌ای از جرم‌ها - به دلیل ماهیت خاص این جرم‌ها - بالاست. جرم‌های جنسی - با تأکید بر تجاوز جنسی - و خشونت‌های خانگی - به‌ویژه، همسرآزاری - نمونه‌های برجسته‌ای از این جرم‌ها به شمار می‌روند. در این میان، نباید، موضوع «رقم سیاه بزه‌کاری» را نادیده گرفت، زیرا مطالعات نشان می‌دهند که رقم سیاه این جرم‌ها بسیار بالاست. ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده، حفظ آبرو و حیثیت، ترس از انتقام‌جویی بزه‌کار، ترس از برخورد دستگاه عدالت جنایی و نگاه جامعه به رویداد جنایی، از جمله دلایل‌هایی است که می‌توان برای این رقم سیاه که معمولاً از گزارش نکردن جرم‌های یاد شده به پلیس حاصل می‌شود، برشمرد. وانگهی، در جرم‌های جنسی ممکن است رویداد جنایی اصولاً مجرمانه یا یک تجاوز واقعی انگاشته نشود. این موضوع به‌ویژه زمانی درست است که مرد مرتکب بیگانه نباشد. در کنار نقشی که رقم سیاه در میزان بزه‌دیدگی زنان دارد، آسیب‌پذیری زنان را - بر پایه معیار جنسیت - نیز باید در این بزه‌دیدگی مهم دانست. این موضوع به‌ویژه در جرم‌های مالی (مانند سرقت) اهمیت می‌یابد. در این جرم‌ها، زنان معمولاً آماج‌های مناسبی برای بزه‌کاران انگاشته شده و چنانچه خود نیز در ایجاد وضعیت پیش‌جنایی نقش داشته باشند، به آسانی بزه‌دیده می‌شوند. آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنان نقش دارد، زنان بزه‌دیده را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای می‌سازد. این حمایت‌ها با توجه به ماهیت خاص جرم‌های ارتكابی نسبت به زنان ویژگی‌هایی دارد که بیشتر در پرتو کمک‌های روانی - عاطفی نمود پیدا می‌کنند.

**۲-۱-۲. بزه‌دیدگی ناتوانان به دنبال ناتوانی بدنی یا روانی**

یافته‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی نشان داده‌اند که برخی افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی، بیش‌تر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و بزه دیدگان بالقوه آسیب‌پذیرتری در برابر بزه‌کاران بالقوه محسوب می‌شوند. زنان به دلیل ضعف قوای جسمانی و وضعیت اجتماعی خاصی که در آن به سر می‌برند در این چارچوب قرار می‌گیرند. عدول مثبت از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری با مقرر کردن حمایت کیفری افتراقی و بیش‌تر از زنان از طریق سازوکار جرم‌انگاری‌های ویژه برخی رفتارها و تشدید کیفر بزه‌کارانی که بزه‌دیده آن‌ها زن می‌باشد یکی از راه‌کارهایی است که قانون‌گذاران کیفری برای بالا بردن هزینه و بهای این جرائم و کاهش احتمال بزه‌دیدگی آن‌ها اتخاذ نموده‌اند.

بعضی طبقات همچون زنان به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه دیده واقع شدن دارند و براساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزه کاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آن‌ها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد. بنابراین زنان به‌عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان، آماج‌های مطلوبی برای آن‌ها محسوب می‌شوند. بالا بردن خطر ارتکاب جرم بر روی زنان از طریق بالا بردن هزینه کیفری ارتکاب جرم می‌تواند در فرآیند گزینش آن‌ها توسط بزه کاران تاثیر گذاشته و در نتیجه ضریب بزه دیدگی زنان را کاهش دهد. بنابراین اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی از طریق سازوکار جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزه کارانی که بزه دیده آن‌ها یک زن است ضروری است (زینالی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸).



ناتوانی بزه دیدگان یکی دیگر از تازه‌ترین ملاک‌های آسیب‌شناسانه برای حمایت از بزه دیدگان خاص است. ناتوانی در واژه‌شناسی یعنی «توانایی انجام کاری را از دست دادن» یا «بیمار شدن و ضعیف شدن».<sup>۲</sup> از دیدگاه تاریخی، سندهای به‌دست آمده وضعیت ناتوانان را در جوامع گونه‌گون متفاوت نشان می‌دهند. مصریان باستان نخستین کسانی دانسته شده‌اند که نه تنها به علت‌شناسی و ریشه‌یابی ناتوانی و درمان آن، بلکه به وضعیت رفاهی و اجتماعی ناتوانان گرایش نشان می‌دادند (کمالی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

### ۲-۳. بزه‌دیدگی زنان

امروزه تحولات نوین در حوزه مطالعات جرم‌شناسی سبب شده است که توجه محققین علوم اجتماعی و جرم‌شناسی به آن سوی عمل مجرمانه، یعنی قربانیان جرائم معطوف شود. بر اساس رویکردهای قربانی محور، شرایط حاکم بر تکوین جرم و وقوع بزه دیدگی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد تا بتوان جهت پیشگیری از جرم و کاهش تبعات آن گام برداشت. اکثر یافته‌ها حاکی از آن است که زنان مصاحبه‌شونده عواملی نظیر: بی‌احتیاطی زنان، نوع فعالیت‌های روزمره، نوع رفتار و پوشش، خشونت درحوزه خصوصی و عمومی، نابسامانی خانوادگی و ضعف در جامعه‌پذیری، ناکارآمدی یا نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روش‌های دفاع از خود، درهم‌ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم‌خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، وجود نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی نظیر بیکاری و فقر را در کنار ویژگی‌های فیزیولوژیک و زیستی، ازجمله مهم‌ترین دلایل بزه‌دیدگی می‌دانند (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۲۴-۳۵). بحث در مورد قربانیان زمانی در حاشیه جرم‌شناسی مطرح می‌شد، اما امروزه یکی از بحث‌های مرکزی و کلیدی جرم‌شناسی، توجه به قربانیان و نیازهای آن‌هاست. تحقیقات کمی و کیفی که در این زمینه صورت گرفته، موضوع جرم‌شناسی متأخر را تغییر داده است. مسئله قربانیان، مثلث سه‌گانه قدیمی را که بر روی جرائم، مجرمین و کنترل آن‌ها متمرکز بود، برهم زده و جرم‌شناسان را وادار ساخته، این مسئله را تشخیص دهند که جرم عواقب دردناک‌تر از آنچه قابل تصور است، به دنبال دارد. قربانیان جرائم که تا به حال در فرآیند عدالت کیفری به فراموشی سپرده شده بودند، امروزه نقش کلیدی را در این فرآیند بازی می‌کنند بدین جهت اکنون در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسئله عمده مجرم نیست، بلکه بزه‌دیده است؛ یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی، ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند. اهمیت قربانی‌شناسی در مباحث جرم‌شناسی در مواردی نظیر آشکار شدن جرم و بدست آوردن نرخ جرم در سطح جامعه نمود می‌یابد؛ چراکه بعضی از جرائم به علت عدم شکایت قربانیان هرگز شناخته نشده و مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند. امروزه توجه به قربانیان و نیازهای آن‌ها در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی نه تنها به لحاظ سیاسی اهمیت پیدا کرده، بلکه مورد توجه جرم‌شناسی قرار گرفته است. مسائلی که در حوزه قربانی‌شناسی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد عبارتند از: ترس از جرم، فشارهایی که جرم بر روی شیوه‌های زندگی دارد، تأثیر جرم بر روی قربانیان آن‌ها، نحوه قربانی شدن، علل و عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی و جلوگیری از قربانی شدن ثانویه که می‌تواند راهکارهای نوین و متفاوتی را در مبحث پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی‌های مکرر آشکار سازد (همان، ص ۳۶).

### ۲-۱-۴. سبک زندگی زنان بزه‌دیده

نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین قربانی شدن کیفری است. این نظریه به گات فردسن<sup>۳</sup> و هیندلانگ<sup>۴</sup> منسوب است و در پی بررسی این موضوع است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. مطابق این دیدگاه، آنان بر این باورند که جرم یک واقعه اتفاقی نیست، بلکه بزه‌دیدگی بر اساس سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد زیرا هر قدر شیوه زندگی یک زن بازتر باشد، یعنی فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیشتر باشد، در دسترس‌تر و در نتیجه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار خواهد گرفت. بدین‌سان، این نظریه، توزیع نامنظم بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی را در زمان و مکان، بر حسب تفاوت شیوه زندگی آنان، تبیین می‌کند. برای نمونه، مجردزیستن، زیاده‌روی در نوشیدن مشروبات الکلی، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، معاشرت با مردان جوان، رفت و آمد شب‌هنگام به اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ، از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی را بالا می‌برد. شیوه و سبک زندگی زنان ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در فرآیند فعلیت بخشیدن به این اندیشه، از طریق تسریع فرآیند ارتکاب جرائم جنسی و در نتیجه بزه‌دیدگی و تحریک بزه‌کار مؤثر باشد. در پرونده مذکور، رفتارهای جر مزا و پُرخطر خانم «ح» در نتیجه رعایت نکردن پوشش صحیح و تحریک آقای «ت» و دوستی و ارتباط نامتعارف با وی چه در زمان حضور شوهرش و چه در مدتی که وی در زندان به

<sup>2</sup>. Disabled victims.

<sup>3</sup>. Gottfredson

<sup>4</sup>. Hindelang

سر میبرده است، خطر بزه‌دیدگی جنسی وی را افزایش داده است؛ بنابراین، هرچه زنان با اشخاص بزه کار یا محیط‌های مجرمانه و خطرناک و زمان‌های پرخطر بیشتر رفت و آمد کنند، میزان بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. در این پرونده، ارتباط قبلی و آشنایی بین طرفین جرم نیز قابل توجه است (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳، صص ۴۴-۶۲). پژوهش در قلمرو بزه‌دیده شناسی نخستین نشان می‌دهد که ارتباط میان بزه‌دیده و بزه کار مسأله‌ای مهم است و انتخاب فرد بزه‌دیده (مانند خانم «ح») از طرف بزه‌کار (مانند آقای «ت») تا اندازه‌ای ناشی از رابطه قبلی بین آن دو است. در پرونده مورد بحث، حضور شوهر در زندان موجب شده است که آقای «ت»، خانم «ح» را با توجه به ارتباط قبلی، بزه‌دیده بالقوه مناسبی در نظر بگیرد. هم‌چنین، خانم «ح» نیز با عدم انتخاب از موقعیت‌های بزه‌دیده را - هر چند ناآگاهانه - موجب بزه‌دیده واقع شدن خویش شده است. در نهایت باید گفت که موقعیت‌های احتمالی به وجود آمده بین بزه‌کاران و زنان به‌عنوان بزه‌دیدگان بالقوه با توجه به سبک زندگی آن‌ها تغییر می‌کند. بدین‌سان، با توجه به تصمیماتی که زنان برای برگزیدن انواع شیوه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند، احتمال بزه‌دیدگی آنان نسبتاً قابل پیش‌بینی است. علت بزه‌دیدگی برخی زنان ناشی از انتخاب نوع سبک زندگی آنان است که خطر بزه‌دیدگی را کم یا زیاد می‌کند (همان).

## ۲-۵. فعالیت روزانه زنان بزه‌دیده

کوهن<sup>۵</sup> و فلسون این نظریه را برای تکمیل نظریه شیوه و سبک زندگی مطرح نمودند. این نظریه در جرایم جنسی در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب این جرائم را بیشتر می‌کند و موقعیت زنان بزه‌دیده یا آماج جرم و یا آن چه که شرایط مشرف بر ارتکاب جرم می‌نامیم تا چه حد در وقوع جرم مؤثر می‌باشد؟ براساس نظریه فعالیت روزانه، عمل مجرمانه به وقوع پیوسته و بزه‌دیدگی در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه انسان است. بزه‌کاری و بزه‌دیدگی با تعامل‌های اجتماعی زنان در ارتباط است و هم‌زمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرائم علیه آنان نیز تغییر می‌کند. این نظریه ارتباط زیادی با نظریه سبک زندگی دارد، زیرا در سبک زندگی، عواملی مانند رفت و آمد زنان در زمان‌های پرخطر یا به مکان‌های خطرناک و معاشرت با مردان جوان؛ هنگامی که با مثلث بزه‌کار با انگیزه، بزه‌دیده بالقوه و نبود محافظ توانا همراه باشد، امکان بزه‌دیدگی جنسی آنان را بیشتر می‌کند. البته در عین این که این دو نظریه مکمل یکدیگرند، تفاوت‌هایی نیز میان نظریه‌های مزبور وجود دارند. طوری که می‌توان گفت در فعالیت روزمره همان مواردی که فرصت برخورداری زنان را از مزایای زندگی افزایش می‌دهد، امکان بزه‌دیدگی جنسی آنان را نیز می‌تواند زیاد کند. فعالیت‌هایی مانند استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی، شغل و حرفه زنان و... اما در نظریه شیوه زندگی به نوعی می‌توان گفت که نقش زنان بزه‌دیده در جرائم جنسی‌پررنگ است و با رفت و آمد در شب هنگام، ارتباط با افراد ناآشنا، حضور در مکان‌های خلوت و... امکان بزه‌دیدگی خود را زیاد کنند.

نظریه فعالیت روزانه را می‌توان در قالب پرونده ۴۹...۸۷ بررسی نمود. در این پرونده خانم «م» برای خرید گوشت مرغ به مغازه آقای «الف» و «م» مراجعه می‌کند و به دلیل نداشتن پول، آنان به او در قبال دادن پول و مرغ پیشنهاد رابطه جنسی می‌دهند. بدین ترتیب، آن‌ها وی را پشت یخچال مغازه برده و با وی رابطه جنسی برقرار می‌کنند و پس از آن مبلغ مورد نظر خانم «م» را به وی نداده و وی نیز به اتهام تجاوز به عنف از آن‌ها شکایت می‌کند. دادگاه نیز با عنایت به فقدان ادله اثباتی در رابطه با زنا به عنف، متهمان را از اتهام انتسابی تبرئه نموده و فقط به دلیل زنا غیرمحصن و با رضایت طرفین، هر سه نفر را به صد ضربه شلاق حدی محکوم نمود. برای به وجود آمدن بزه‌دیدگی زنان در زمینه جرائم جنسی موارد زیر باید تحقق یابند که در این پرونده نیز مشاهده می‌شوند. در نظریه فعالیت روزانه، جرم در زندگی روزمره زنان ممکن است ارتکاب پیدا کند و آن‌ها بزه‌دیده اعمال مجرمانه شوند، اما آن چه که نیازمند توجه بیشتری می‌باشد این است که چه موقع جرم جرائم جنسی علیه آنان ارتکاب می‌یابد و چگونه در زندگی روزمره آنان جای می‌گیرد. از این منظر، زمانی جرائم جنسی به وقوع می‌پیوندد که شرایط سه‌گانه فوق‌الذکر مهیا باشند. بدین جهت، از یک طرف، زنان باید از تبدیل خود به آماجی جذاب برای بزه‌کاران پیشگیری نمایند و از طرف دیگر، وجود محافظ‌هایی که می‌تواند در قالب اشخاص یا وسایل باشد، از قبیل توجه همسایه‌ها، مراقبت والدین، سیاست‌های پیشگیری از جرم و مأموران گشتزنی، برای منصرف کردن اشخاص از رفتار مجرمانه به کار برده شوند تا از بزه‌دید واقع شدن زنان پیشگیری به عمل آید. از همین‌رو، طبق نظر کوهن و فلسون، بزه‌دیدگی زمانی بیشتر می‌شود که محافظ‌های توانا کم باشند یا وجود نداشته باشند. بدین‌سان، از یک طرف، الگوهای زندگی روزمره، زنان را از خانه و خانواده دور می‌کنند و بزه‌کاران، زنانی بدون محافظ کارآمد پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، کاهش اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی را که باعث محافظت کارآمد می‌شوند، تضعیف می‌کند. از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی در هر جامعه باید بدین موضوع در خصوص بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرائم جنسی توجه نمایند و با افزایش نظارت‌های رسمی، آگاهی‌رسانی به مردم در جهت انجام

<sup>5</sup>. Cohen

نظارت‌های غیررسمی و استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی از جرم (پیشگیری وضعی رهیافت جدیدی است که سعی دارد با اتکاء بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره‌شده، یعنی آماج جرم یا بزه دیده، به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد). تلاش خود را در راستای کم کردن بزه دیدگی زنان در جرائم جنسی به کار گیرند (همان).

#### ۲-۱-۶. شتاب‌دهندگی زنان بزه‌دیده

بزه‌دیده‌شناسی در فضایی متولد شد که منش و شخصیت بزه‌دیده، رابطه او با مرتکب و نیز اوضاع و احوال موجود در آستانه ارتکاب جرم که بزه‌دیده یا موضوع یا آماج جرم در آن قرار داشته، ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در فرآیند فعلیت بخشیدن به این اندیشه تأثیر داشته باشد. بنیامین مندلس و نوهنتیک از طراحان نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده هستند. شتاب‌دهندگی منفعل<sup>۶</sup>؛ گاهی زنان به صورت نا آگاهانه از طریق تحریک، با بز هکار بالقوه تعامل برقرار می‌کند. این دسته از بزه دیدگان بدون قصد و با توجه به خصوصیات شخصی‌ای که دارند و یا در موقعیتی که قرار دارند، استعداد خاص و آمادگی لازم برای بزه‌دیده واقع شدن را در زمینه جرائم جنسی ایجاد می‌کنند. همچنین، وجود یا همراهی عناصر جذاب، در و یا به همراه آنان و به تبع آن وقوع بزه‌دیدگی‌شان را می‌توان در قالب شتاب‌دهندگی منفعل ارزیابی کرد. بدین ترتیب، بزه‌دیدگانی که نقش شتاب‌دهنده و اثرگذار در وقوع جرم دارند به خصوص در شتاب‌دهندگی فعال باید مورد حمایت کیفری کمتری قرار بگیرند. این امر می‌تواند به شکل تخفیف مجازات بزه‌کار صورت گیرد (همان).



<sup>6</sup>. Passive precipitation



**نتیجه گیری**

بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. هانس فون هنتینگ پدر علم بزه دیده‌شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده: که بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی‌علیه است. آماج، اوضاع و احوالی است که گذر به عمل مجرمانه را تسهیل می‌کند. خطر گذر به عمل مجرمانه ناشی از ایجاد ارتباط بین یک نشانه فریبنده بدون محافظ با یک مجرم بالقوه‌ای است که عموماً به تحلیل استراتژیک منافع و خطرات این عمل می‌پردازد.

نقش و سهم بزه دیدگان در جرم‌های مختلف، باهم متفاوت هستند. بزه دیده شناسانی مانند کریستی، بزه دیدگان را به دودسته تقسیم می‌کنند: بزه دیده ایده آل و بزه دیده غیرایده‌آل یا بزه دیده سرزنش پذیر. بزه دیدگان ایده آل اشخاصی هستند که در پی ضربه خوردن از جرم، پایگاه کامل و مشروع بزه دیده بودن را به‌سادگی می‌پذیرند. این بزه دیدگان افرادی ناتوان، آسیب‌پذیر و بی‌گناه شمرده می‌شوند و نه تنها قابل سرزنش نیستند، بلکه شایسته و نیازمند کمک و مراقبت و همدردی هستند. بدین‌سان، فرآیند جنایی، فرآیندی است که به‌موجب آن و در نتیجه روابط، تعامل و کنش‌های متقابل میان عوامل مختلف، گذر از اندیشه به فعل مجرمانه و در نتیجه طی طریق به سمت ارتکاب عمل مجرمانه پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف تحقق می‌یابد. «بزه دیده» به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند جنایی بازی کند، چراکه او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه‌کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب‌شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را بر عنوان آماج‌هایی مناسب برای بزه‌کاران بالقوه فراهم نماید.

رفتار بزه دیده می‌تواند تعبیرهای وسیعی از دیدگاه دیگر بزه دیدگان، مهاجم، پلیس، هیئت‌منصفه، اذهان عمومی و پژوهش‌گران داشته باشد. به‌رغم محدودیت‌های موجود در پژوهش‌ها درباره‌ی نقش بزه دیده، توجه به نقش بزه دیده این امکان را فراهم می‌آورد که عامل‌های وضعی نیز در نظر گرفته شوند و به‌این‌ترتیب تفسیر غنی‌تر و جامع‌تری از تجاوز جنسی ارائه می‌شود. یافته‌های جرم‌شناسی و بزه دیده‌شناختی نشان داده‌اند که برخی افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی، بیش‌تر از سایرین در معرض بزه دیدگی قرار دارند و بزه دیدگان بالقوه آسیب‌پذیرتری در برابر بزه‌کاران بالقوه محسوب می‌شوند. زنان به دلیل ضعف قوای جسمانی و وضعیت اجتماعی خاصی که در آن به سر می‌برند در این چارچوب قرار می‌گیرند. عدول مثبت از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری با مقرر کردن حمایت کیفری افتراقی و بیش‌تر از زنان از طریق سازوکار جرم‌شناسی ویژه برخی رفتارها و تشدید کیفر بزه‌کارانی که بزه‌دیده‌ی آن‌ها زن می‌باشد یکی از راه‌کارهایی است که قانون‌گذاران کیفری برای بالا بردن هزینه و بهای این جرائم و کاهش احتمال بزه دیدگی آن‌ها اتخاذ نموده‌اند.

در جرائم جنسی، زنان غالباً به‌عنوان یکی از طرفین عمل مجرمانه با انجام اعمال تسهیل‌کننده مانند تحریک، وسوسه و اغوای مردان و یا با سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه نقش مؤثری در تکوین جرم‌دارند و باعث تسریع فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه می‌گردند. بدین ترتیب از آنجاکه مشارکت بزه دیده در بزه‌کاری یکی از عوامل بزه دیدگی است، در موارد زیادی، کم‌وبیش حتی در عنصر مادی جرم یا تسهیل آن مشارکت دارد. البته این مشارکت گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه صورت می‌گیرد. از همین رو، زنانی که با حرکات و رفتار خود گاهی به‌غلط و از روی غفلت اقدام به تسهیل وضعیت‌هایی می‌کنند که فرصت ارتکاب جرم را برای مرتکب فراهم می‌سازند، از دیدگاه رویکرد سرزنش بزه دیدگان، شایسته حمایت کم‌تری می‌باشند. این موضوع تا حدودی در رویه قضایی دادگاه‌ها نیز قابل‌مشاهده است، اما آنچه مسلم است، آن است که دیدگاه‌های بزه دیده‌شناسی نخستین در دادگاه‌ها به‌صورت علمی و آگاهانه اعمال نمی‌شود و قضات گاهی شاید ناآگاهانه به نقش مؤثر زنان در ارتکاب جرائم جنسی مانند زنا توجه نموده و آن را در رأی صادره منعکس می‌کنند.

## منابع و مراجع

### کتاب

- ۱- انوری، ح. فرهنگ فشرده سخن. انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۳.
- ۲- جعفری لنگرودی، م، مبسوط در ترمینولوژی حقوق. گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- خاکپور، م، جرم‌شناسی زنان، موسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۵۴.
- ۴- شامبیاتی، ه، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ دوم، انتشارات ژوبین، تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- دهخدا، ع، لغت‌نامه (جلد پنجم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ۶- راغب اصفهانی، مفردات، ترجمه: غلامرضا خسروی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۷- رایجیان اصلی، م، بزه‌یاده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۴.
- ۸- صانعی، پ، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- گلدوزیان، ا، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۰- عمید، ح، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۱- معین، م، فرهنگ فارسی، چاپ نهم، انتشارات سرایش، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۲- مظلومان، ر، جرم‌شناسی (کلیات)، چاپ دوم، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۳- نجفی توانا، ع، جرم‌شناسی، چاپ اول، خیام، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، ع، تقریرات درس عدالت ترمیمی. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۳.

### مقالات

- ۱۵- فتح، ع، "از سیاست مبارزه با بزه‌کاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده"، قضایی و حقوق دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ۱۶- زینالی، ح، "اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنان" فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ۱۳۸۳.
- ۱۷- کمالی، م و ایران، ف "مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت" فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۹۴.
- ۱۸- جوان جعفری بجنوردی، ع و؛ فرهادش "نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرائم جنسی"، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۹۳.
- ۱۹- داوودی، ه، "بزه‌دیده‌شناسی زنان و زمینه‌های مؤثر در کاهش جرائم" فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۸۸.